



ما فضا را می‌سازیم و فضا هم ما را می‌سازد گفت‌وگو با دکتر مظفر صرافی

مصاحبه کننده: شیوا کمیزی

خوشبختانه بیش از ده سال است که رویکرد تخریب، به حاشیه رانده شده است. در این زمینه طرح‌ها و اقداماتی در حال شکل‌گیری است که این سکونتگاه‌های غیررسمی به تدریج ارتقاء پیدا کنند و بخشی از شهرنشینی شوند. در جایزه جستار، یکی از نکات اصلی که مورد نظر هیئت داوران بود، آن بود که در طرح‌ها و اقداماتی که برای اینگونه سکونتگاه‌ها انجام شده، پیامدهای آن برای کیفیت نوینی از زندگی شهری چگونه بوده است؟ سنجش کیفیت، به دلیل اینکه کیفیت موضوعی عینی و ذهنی است، امری دشوار است. زحمت زیادی توسط کارگزاران کشیده شد که مقدمات و اسناد این پروژه‌ها جمع‌آوری و آماده گردد. تاهیت داوران بتوانند از میان پروژه‌های متعدد، مشخص کنند که کدام پروژه گوی سبقت را بر دیگری از نظر معیارها برده است و کدام پروژه امید را در این سکونتگاه‌ها افزایش داده است. افزایش امید به زندگی، معیاری است که مردم باید آن را احساس کنند. آنها باید بدانند که دیگر رو به نزول نیستند و کنار گذاشته نشده‌اند. زمانی که امید بارور شود، آنها منابع خود را در کنار منابع حمایتی دولت به میان می‌آورند و در واقع آن را تقویت می‌کنند. معیار بسیار مهم این بود که مشارکتی بودن پروژه بتواند شور و شوق زندگی را در آن محله و منطقه ایجاد کند. اگرچه وجه اصلی این پروژه‌ها کالبدی بوده، اما این کالبد، فضایی را جهت امکان محتوایی ایجاد می‌کند. از طریق اقدامات کالبدی می‌توانیم بسیاری از ظرفیت‌سازی‌ها، راجامه عمل بیوشانیم. این موضوع که این اقدامات کالبدی، چه میزان مردم را درگیر کرده‌اند بسیار حائز اهمیت بوده است. برای سنجش کیفیت زندگی مردم معیارهای علمی و کارشناسی مشخص بوده است، مثلاً باید سرمایه اجتماعی را افزایش داده، زیرساخت‌های پاسخ‌دهنده شرایط را ایجاد کرده، خدمات‌رسانی را بهبود بخشیده و دسترسی‌ها را ارتقاء داده باشد. این معیارها وجه عینی سنجش بود. تیم اعزامی با مردم به مصاحبه پرداخته و اسنادی در اختیار ما قرار دادند تا بتوانیم میزان اثربخشی اقدامات را مورد ارزیابی قرار دهیم و مشخص گردد که پیامد اقدامات انجام شده به سرزندگی

• به نظر شما ضرورت توجه به بازآفرینی شهری در شرایط کنونی شهرنشینی ایران با نگاه ویژه به سکونتگاه‌های غیررسمی چیست؟

همان‌طور که شاهد بودیم، طی چندین دهه شهرنشینی شتابان، اتفاقات بزرگی از نظر کمی در ایران رخ داده است. جمعیت از یک نسبت کم و تعداد قلیل، به یک تعداد عظیم در شهرها تبدیل شده است. به موازات این رشد و اتفاق کمی، اتفاق توسعه کیفی رخ نداده است. از این رو تناسبی بین رشد و توسعه و آنچه که اتفاق افتاده است وجود ندارد. از سوی دیگر در دهه‌های اخیر، ساختار اقتصادی و حتی اجتماعی شهرها عوض شده است که این تغییر ناشی از نیروهای جهانی شدن و همین‌طور نیروهایی است که در اثر توسعه تکنولوژی و رشد اقتصادی کشورها اتفاق افتاده است. بنابراین شهرها از یک سو به سرعت رشد کرده‌اند اما متناسب با اتفاقات یاد شده، توسعه و ارتقای کیفیت صورت نگرفته است.

از سوی دیگر این جریان هم‌زمان با تغییراتی در اقتصاد شهرها و جامعه اتفاق می‌افتد که شهرها باید آمادگی لازم را برای مواجهه با آن داشته باشند، به نحوی که به کیفیت زندگی لطمه‌ای وارد نشده و کیفیات جدید را بپذیرند. از این دو خاستگاه است که ما به بازآفرینی شهری نیاز داریم که تحت لوای آن، از یک طرف بتوانیم توسعه را همراه رشد سریع رخ داده در شهرها کنیم و از طرف دیگر به استقبال تغییرات ساختاری نوینی که در حال بروز است، برویم.

در جریان این اتفاق، بخش عظیمی از هم‌وطنان ما که به نظر می‌رسد جمعیتی در حدود ۲۰ میلیون نفر باشند، با استقرار در فضاهایی که برایشان طرح‌های شهری وجود ندارد و مکانی برای زندگی آنها پیش‌بینی نشده بود، یک نوع شهرنشینی خودانگیخته و یا خارج از برنامه را شکل داده‌اند. سکونتگاه‌های غیررسمی و استقرار در بافت‌های فرسوده بخشی از این مسئله است. حال مسئله این است که در شرایطی که این وضعیت ایجاد شده است، ما باید با این مسئله چگونه روبه‌رو شویم؟